

چشم‌های دکه‌ای من
زنده باد پترونیلو فلورس!



انعکاس این فریاد در دیوارهای آبکند بلند می شد و تا جایی که ما بودیم می رسید. بعد از میان می رفت. مدتی کوتاه بادی که از پایین می وزید، همه‌مه صداهایی را به گوش ما می رساند که در هم می پیچیدند و با سروصدایی مثل سروصدای آبی که بر سنگلاخ های غلتد و طغیان می کند، خود را بالا می کشاندند. بعد، از همان جا فریاد دیگری از خم آبکند پیچید و بالا آمد. بر دیوارها منعکس شد و با صدایی بلند و رسا به گوش ما رسید «زنده باد خودم ژنرال پترونیلو فلورس!» (داستان دشت سوزان، از مجموعه داستان دشت

سوزان، نوشته خوان رولفو، ترجمه فرشته مولوی) به این اول شخص کذایی دقت کنید. خوان رولفو با ظرافت بی نظیر قلم خودش، چطور تصویرسازی می کند. راوی را در حالت جمع قرار می دهد و کاملاً او را منفعل نگه می دارد تا تمام توجه مخاطب بر فضاسازی دقیقش متمرکز شود. منطقه ای پر از بلندی و آبکند که صداها در آن می پیچند. از صدا برای فضاسازی استفاده می کند و مخاطب اصلا متوجه نمی شود که این اول شخص درحال معرفی فضا است و مجموعه ای از اطلاعات را برای او ردیف کرده است. در این وضعیت مخاطب مهلت پیدا نمی کند سر بچرخاند تا ببیند یک غریبه او را خطاب قرار داده یا نه. اطلاعات و رویدادها برق آسا به ذهن او هجوم می آورند و همه چیز چنان درست چیده شده است که او اصلا احساسی از تصنع و فریب خوردن پیدا نکند. یکی از مردان ما فریاد زد: «زنده باد پدرو تامورا!» از آن طرف آن ها کم و بیش به نتوا گفتند «رئیس، نجاتم بده! نجاتم بده! فرزند مقدس اتو چا کمکم کن!»

برنده ها می پریدند. باسترک ها فوج فوج از بالای سر ما می گذشتند و به طرف تپه ها می رفتند. دور سوم تیراندازی از پشت ما شروع شد. این دور، دور آن ها بود و ما را وادار کرد به طرف دیگر حصار، آن طرف مردانی که کشته بودیم، ببریم. (همان)

در اینجا ببینید وضعیت گروه های باغی و شورشی چطور به نمایش گذاشته می شود. وقتی یکی از مردان جبهه راوی فریاد زنده بادی سر می دهد، توقع داریم طرف مقابل هم چیزی از همین جنس بگویند و برای هم رجز بخوانند اما چیزی که در جواب می آید، نه یک عریده از سر قدرت، بلکه نجوایی از التماس و کمک خواهی است. راوی متوجه حضور مخاطب نیست و خواننده هم احساس نمی کند که اطلاعات واضح را برای او بازرگویی می کنند، بلکه با این شکل از تصویرپردازی، انگار هرچیزی که از مردمک چشم راوی می گذرد، توسط مخاطب هم دیده می شود، به همین نسبت صداها را داریم و تمام جزئیات صحنه را...

وقتی رسیدیم، درخم رویه رو، زنی سوار بر دو چرخه می گذشت. هنوز هم می گذرد، با بالاتنه ای به خط مایل، پوشیده به بلوز آستین کوتاه سفید. رکاب می زند و می رود و موهایش بر شانه ای که رو به دریافت باد می خورد و به جایی نگاه می کند که بعد دیدیم، وقتی که زن دیگر نبود، خیابانی که به محاذات اسکله می رفت و بعد به چپ می پیچید تا به جایی برسد که هنوز هست، اما نشد که ببینیم. زن رفته بود. (نقشبندان، هوشنگ گلشیری)

در اینجا تصاویری که در ذهن راوی از یک خاطره دور باقی مانده، بین یک گذشته ای که اتفاق افتاده و زمان حال در نوسان است. او چیزی را برای کسی توضیح نمی دهد، درحال نشخوار خاطرات خودش است: از خانواده ای متلاشی، که ناچارند برای دیدار یکدیگر در یکی از شهرهای ساحلی ترکیه وعده کنند. تصاویر مثل عکس هایی بریده بریده به ذهن او می آیند و متن داستان ابایی از ابهام ندارد. متن و راوی به شکلی اساسی به مخاطب پشت کرده اند و او ناچار است از کنار هم گذاشتن تکه های پازل به یک تصویر معنادار و کامل برسد...

با احترام عمیق و همیشگی به بیژن نجدی عزیز، که نجیب بود.

کوتاه درباره خورخه ایبار گوتیا، نویسنده مکزیکی و رمانش «توطئه گران»

گذاشتن مواد منفجره لای صفحات تاریخ

خادم انویسنندگان آمریکای لاتین در ایران. به طور کلی خوش اقبال بوده اند، هم از نظر مترجمان نامداری که سراغ آثارشان رفته اند و هم از حیث استقبالی که از آثار آن ها شده است. گابریل گارسیا مارکز، ماریو بارگاس یوسا، کارلوس فونتنسن، خوسه دونوسو، ماشادو د آسیس و اریل دورفمن شماری از این نویسندگان هستند.

خورخه ایبارگوتن گوتیتا، نویسنده مکزیکی، که به گواه منتقدان هم میهنش، مرگش در سانحه هوایی سال ۱۹۸۳به سان سوگواری ملی بود، از نویسندگانی است که بخت برخی از هم صنفانش را که به شماری از آنان اشاره شد، در ایران نداشته - و شاید مخاطب ایرانی بخت آشنایی با او را نداشته- و تاکنون اثری از او به فارسی ترجمه نشده است.

«توطئه گران» نخستین رمانی است که از او و به ترجمه قاسم مؤمنی، به فارسی منتشر شده است. این رمان، آخرین اثر اوست که در سال ۱۹۸۲منتشر شد. در بخش «درباره نویسنده» که در ابتدای ترجمه فارسی این اثر آمده، داستان های او را به دو دسته تقسیم کرده اند، دسته اول رمان های پلیسی است و دسته دوم سبکی ابداعی است که آن را «تاریخ نگاری ویرانگر» نامیده اند. رمان حاضر، یعنی «توطئه گران» در دسته دوم جای می گیرد.

در توضیح سبک «تاریخ نگاری ویرانگر» آمده است: «در این آثار، او دوره ای از تاریخ یا رویدادی تاریخی، مشهور یا گمنام، را برمیگزیند، پی برده و عریان به آن می پردازد. جای جای آن را با انواع مواد منفجره ای که زمان انفجارشان نامعلوم است پر می کند، و چند صفحه (نه خیلی زیاد) منتظر می ماند تا فتیله ها ته بکشد و چاشنی ها عمل کند. نتیجه این سبک، کتاب های متعددی است که اغراق نیست اگر همه را فراموش نشدنی بدانیم.» رمان «توطئه گران» از این دست است.

در پشت جلد کتاب آمده است: «تاریخ های رسمی سرشارند از قهرمانان بی نقص و آرمان های بزرگ. اما پشت پرده روایت های حماسی چه می گذرد؟ خورخه ایبارگوتن گوتیتا، استاد طنز سیاه در ادبیات آمریکای لاتین، در «توطئه گران» به سراغ یکی از سرنوشت سازترین لحظات تاریخ مکزیکی می رود: نخستین جرقه های جنبش استقلال _ و بی رحم و دقیق، پوسته تقدس از چهره های تاریخی برمی دارد و آن ها را به سان انسان هایی واقعی به تصویر می کشد. با تمام ضعف ها، جاه طلبی ها و اشتباهاتشان.

مخفی کاری ها لومی روند، نقشه ها مضحک از آب درمی آیند و قهرمانان بیشتر درگیر روابط شخصی خود هستند تا آرمان های والا. «توطئه گران» روایتی است حاکی از اینکه وقایع تاریخی بزرگ گاه محصول تصمیم های کوچک، سوء تفاهم ها و حماقت های بشرند _ روایتی ضد تاریخی، کند و کاوی طنازانه در ذات بشر و بازی های قدرت.»

توطئه گران /نوشته خورخه ایبارگوتن گوتیتا / ترجمه قاسم مؤمنی / نشر ماهی، ۱۴۰۴ / ۲۴۰ صفحه / ۲۴ هزار تومان

نقش و جایگاه کتاب فروش ها در بهبود سلیقه کتاب خوانی مردم بررسی شد

نقش فراموش شده کتاب فروش ها



فاطمه زهرا مداحی

فروشنندگان کتاب، افرادی آگاه به حوزه های گوناگون کتاب هستند و می توانند در هدایت مخاطب به سمت مطالعه آثار فاخر نقش مؤثری داشته باشند. اما اینکه گاهی می بینیم برخی کتاب های زرد و غیرعلمی یا عامه پسند و سطح پایین در سبد خرید اکثر کتاب خوان ها پیدا می شوند، به خود مخاطب برمی گردد یا به نبود راهنمایی های دلسوزانه افراد آگاه؟ روزگار کتاب خوانی به گونه ای سپری می شود که هر روز با مسائل تازه ای در این حوزه روبه رو هستیم. ذائقه کتاب خوانی یکی از مسائل جدی این حوزه



در این روزهاست که اهالی فرهنگ و هنر را به فکر پیشنهادهای مختلفی برای چاره جویی در این مسئله انداخته است. در این میان فروشندگان کتاب به عنوان مبلغ و راهنمای اصلی انتخاب و خرید کتاب، تاجه مقدار برای بهبود ذائقه مردم جامعه، می توانند نقش ایفا کنند؟ عوامل بسیاری در تعیین علاقه مندی های کتاب خوانان دخیل اند، از تبلیغات و معرفی بلاگرهای حوزه کتاب گرفته تا برنامه های گفت وگو محور فیلم ها و سریال های اقتباسی، اما آنچه اهمیت دارد، رساندن این علاقه مندی ها به سطحی از مطالعه است که فهم و اندیشه جامعه را ارتقا دهد. در این مسیر فروشندگان کتاب، یکی از عوامل جدی در بهبود ذائقه کتاب خوانان محسوب می شوند که

بخواهند. مهم ترین عامل در انتخاب کتاب، سلیقه شخصی مخاطب کتاب خوان است. ما نمی توانیم در سلیقه کتاب خوانی افراد دخالت کنیم، اما می توانیم در شکل گیری و جهت دهی آن، راهنمایی های اثرگذار داشته باشیم.

ارتقای سلیقه

سلیقه مخاطب، نکته ای است که نباید از آن غافل شد. حتی با وجود تبلیغات گسترده و معرفی های فراوان از مسیرهای مختلف، ممکن است مخاطب همچنان تمایلی به خواندن آثار مفهومی و فاخر نداشته باشد. این امر طبیعی است که سلیقه مخاطب معیار مصرف فرهنگی قرار گیرد، اما پرسش این است: آیا نمی توان خود سلیقه را ارتقا داد؟

حسین سیندجی، از فروشندگان شعبه مرکزی «پردیس کتاب»، نکات قابل توجهی دراین باره مطرح کرد. به باور او، فروشندگان کتاب می توانند نقشی پررنگ در ترقی یا تنزل سلیقه مخاطبان داشته باشند. او یادآور شد که در روزهایی که تب کتاب «صد سال تنهایی» اثر گابریل گارسیا مارکز به اوج رسیده بود، نه تنها مخاطبان، بلکه بسیاری از فروشندگان کتاب نیز مردم را به خواندن آن دعوت می کردند. بااین حال، در نظرسنجی های همان دوران، وقتی از خوانندگان پرسیده شد، «اگر به گذشته برگردید، چه کتابی را دیگر نخواهید خواند؟» باز هم «صد سال تنهایی» رتبه نخست را داشت. به گفته او، این اثرگذاری رفتی، حاصل تبلیغات های مکرر و بدون شناخت فروشندگان کتاب است.

تأثیر گفت وگو با مشتری

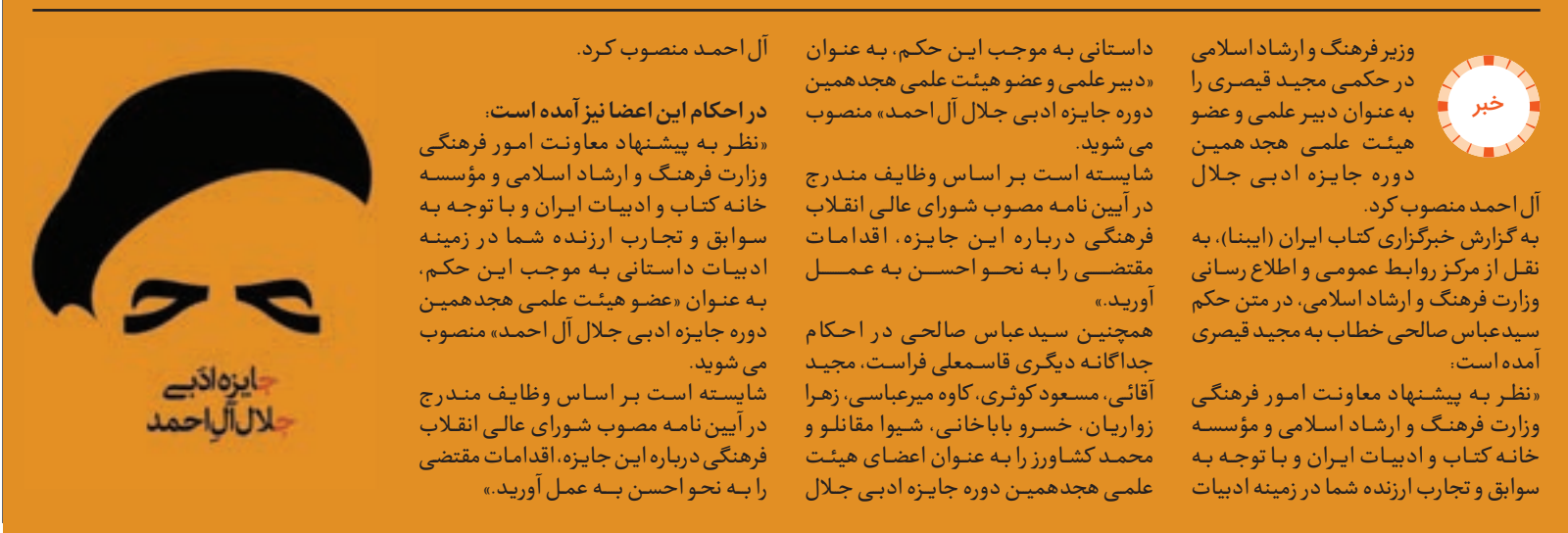
زهرا رحیمی، از فروشندگان «کتاب شهر ایران»، از تجربه خود در پیشنهاد کتاب به مخاطبان می گوید: «مدتی آقایی در کتاب شهر کار می کرد که آشنایی خوبی با ژانرهای مختلف داشت. او پس از گفت وگو با مراجعان، در هر حوزه، آثار برجسته را متناسب با سلیقه و سطح درک آنان معرفی می کرد. در آن زمان، بازخورد مخاطبان نسبت به این معرفی ها بسیار مثبت بود و فروش کتاب ها به حوزه ای خاص محدود نمی شد.» فروشنده کتاب، اگر شناخت کافی از حوزه های گوناگون، آثار فاخر و برجسته، سبک نویسندگی و در نهایت سلیقه و درک مخاطب داشته باشد، می تواند در قامت یک راهنما نقش پررنگ تری در هدایت جامعه کتاب خوان به سمت آثار فاخر و برجسته داشته باشد. شناخت دقیق سلیقه مخاطب و توانایی برقراری گفت وگوی مؤثر از مهم ترین عواملی است که می تواند در شکل دادن و بهبود ذائقه مصرف کتاب نقشی جدی داشته باشد.

چرا کتاب های فاخر را نمی خوانیم؟

مهم ترین عامل در بهبود ذائقه کتاب خوانی، خود مخاطب است، میزان شناخت او از محتوای سطح بالا و آثار باکیفیت تعیین می کند چقدر می تواند با کتاب های فاخر ارتباط برقرار کند. طبیعتا، کتاب های فاخر و برجسته، نوعی خاص از محتوا یا نوعی خاص از سبک نویسندگی را در خود دارند که هر مخاطبی نمی تواند به راحتی به آن ارتباط برقرار کند. در این زمینه ارتقای یا به پله مخاطب کتاب خوان، می تواند سطح کیفی ذائقه را بالا ببرد.

در احکامی جداگانه از سوی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی

دبیر علمی و اعضای هیئت علمی هجدهمین دوره جایزه ادبی جلال آل احمد منصوب شدند



آل احمد منصوب کرد.

در احکام این اعضا نیز آمده است: «نظر به پیشنهاد معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و مؤسسه خانه کتاب و ادبیات ایران و با توجه به سوابق و تجارب ارزنده شما در زمینه ادبیات داستانی به موجب این حکم، به عنوان «عضو هیئت علمی هجدهمین دوره جایزه ادبی جلال آل احمد، منصوب می شوید. شایسته است بر اساس وظایف مندرج در آیین نامه مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی درباره این جایزه، اقدامات مقتضی را به نحو احسن به عمل آورید.» همچنین سیدعباس صالحی در احکام جداگانه دیگری قاسمعلی فراست، مجید آقائی، مسعود کوثری، کاوه میرعباسی، زهرا زواریان، خسرو باباخانی، شیوا مقانلو و محمد کشاورز را به عنوان اعضای هیئت علمی هجدهمین دوره جایزه ادبی جلال

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در حکمی مجید قیصری را به عنوان دبیر علمی و عضو هیئت علمی هجدهمین دوره جایزه ادبی جلال آل احمد منصوب کرد.

به گزارش خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا)، به نقل از مرکز روابط عمومی و اطلاع رسانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، در متن حکم سیدعباس صالحی خطاب به مجید قیصری آمده است:

«نظر به پیشنهاد معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و مؤسسه خانه کتاب و ادبیات ایران و با توجه به سوابق و تجارب ارزنده شما در زمینه ادبیات

